

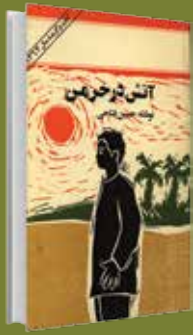
حسین فتاحی، تاریخ‌نویس جسور

داستان‌نویسی تاریخی، بویژه وقتی با مسائل دینی درآمیخته باشد کار هر نویسنده‌ای نیست، ورود به این حیطه و نوشتن درباره موضوعات این‌چنینی حسرات زیادی می‌طلبد. بسیاری از نویسندگان جوان علاقه‌مند به فعالیت در این عرصه اظهار نگرانی می‌کنند که در تلیق خیال و تاریخ تا کجای می‌توان پیش رفت.

حسین فتاحی از پژوهشگران و نویسندگان باسابقه و البته شناخته‌شده در زمینه داستان‌نویسی دینی- تاریخی است. او به‌عنوان دبیر تحریریه با مؤسسات نشر مختلفی همکاری دارد، افزون بر این، سال‌هاست که او به تدریس داستان‌نویسی هم اشتغال دارد. نوشته‌های فتاحی یک بازنویسی آثار کلاسیک فارسی هم یکی دیگر از علاقه‌مندی‌های فتاحی به شمار می‌آید. در هفتمین دوره جایزه کتاب سال، او برای تألیف رمان «آتش در خرمن» موفق به کسب عنوان اثر برگزیده شد. فتاحی در این رمان، تصویر لطیفی از کودک و جنگ ارائه کرده است. بعد از کسب این جایزه، به پیشنهاد محمدرضا سرهنگی، فیلمنامه این رمان نوشته شد و در قالب سریالی هفت قسمتی روی آنتن رفت. در آن زمان منتقدان این رمان را اثری جسورانه در نوع پرداخت به دو مقوله جنگ و کودک می‌خواندند.



۴



۵



عبدالله کوثری، مترجم صاحب سبک

ادبیات ترجمه در کشور ما بزرگان بسیاری را به خود دیده، افرادی که مطالعه آثار برخی از آنان به رغم گذشت سال‌ها همچنان در حکم یک دانشگاه است. از محمد قاضی و ابوالحسن نجفی گرفته تا نجف دریابندری که حدود ۲ سال قبل با زندگی وداع گفت. البته در بین مترجمانی که همچنان از فعالیت‌های آنها بهره می‌بریم هم می‌توان به نام‌هایی اشاره کرد که خدمات ماندگاری به ادبیات و دوستدارانش ارائه کرده‌اند؛ عبدالله کوثری از جمله آنهاست. کارنامه کاری کوثری تنها به ترجمه محدود نمی‌شود، او در کسوت شاعر و ویراستار هم چهره شاخصی به شمار می‌آید. کوثری از نسل سوم مترجمان ایران است و تا به امروز موفق به کسب چندین عنوان برگزیده در جایزه کتاب سال شده است. اعتبار نام و ترجمه‌های کوثری آنقدر است که درج نامش در مقدمه کتاب هر نویسنده یا مترجمی، خیال مخاطب را آسوده کند که با اطمینان سراغ مطالعه‌اش برود. ترجمه کوثری از کتاب «خطرات پس از مرگ براس کویاس» در بیست و دومین دوره جایزه کتاب سال، موفق به کسب عنوان برگزیده شد. این کتاب با همراهی نشر مروارید در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته و ماجرای آن درباره زندگی نویسنده برزیلی اش «ماشادودآسیس» است. ماجراهای کتاب با زبانی آمیخته به طنز و در قالب رمان روایت شده و ماشادودآسیس در آن درخصوص عواطف، هیجانات، بلندپروازی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌های خود می‌گوید. گذشته از قلم توانای نویسنده و جایگاه ادبی خالقش، آنچه لطف خواندن این کتاب را مضاعف می‌کند ترجمه خوب کوثری است.

ست و نهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال

فهرستی برای کتاب‌دوستان

روبه رو باشد، جایزه کتاب سال طی سال‌های برپایی اش توانسته جایگاه به نسبت قابل قبولی میان اهالی کتاب بیابد. نگاهی به فهرست برگزیدگان این رویداد طی دوره‌های مختلف کافی است تا ببینیم در میان آنها اسامی نویسندگان و مترجمان مختلفی دیده می‌شود، افرادی با نگاه و طیف‌های فکری مختلف که به حوزه خاصی محدود نمی‌شوند و شاید همین مسأله سبب افزایش اعتبار دوری‌های آن میان جامعه نشر و از سویی کتابخوانان شده باشد. امسال شاهد برگزاری سی و نهمین دوره جایزه کتاب سال هستیم که داوری آثار بررسی شده در آن تنها به بخش ادبیات محدود نمی‌شود و حوزه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد، بخش جهانی جایزه کتاب سال هم با حدود یک دهه اختلاف، به بیست و نهمین دوره خود رسیده که این بخش با نگاهی بین‌المللی میزبانی اهالی اندیشه، از دیگر کشورها و با هدف دعوت به مطالعه و پژوهش درباره فرهنگ ایرانی- اسلامی‌مان را به عهده دارد. در صفحات امروز درباره این رویداد عرصه نشر و برخی راهکارها در راستای ارتقای هر چه بیشتر آن می‌خوانید.

گفت‌وگویی با «احمد علی حیدری»

دبیر علمی جایزه جهانی کتاب سال درباره این رویداد بین‌المللی

شناخت خود از نگاه دیگران
برای تعاملات جهانی موفق

پهنه ایران فرهنگی بزرگ سال‌هاست مورد توجه ایران‌شناسان و شرق‌شناسان جهان قرار دارد، موضوعی که بخش مهمی از علاقه‌مندی به آن را باید در تمدن کهن سرزمین‌مان و از سویی اثرگذاری آن بر دیگر ملل جست‌وجو کرد. با اینکه سال‌هاست آثار متعددی در این رابطه نوشته شده اما دسترسی به همه این تحقیق‌ها و مطالعات تا به امروز میسر نشده است. از همین

روبیست و نه سال است که شاهد برگزاری جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران هستیم. جایزه‌ای در گستره بین‌المللی که بخشی از هدف آن دستیابی به نگاهی است که دیگران

به ما دارند. در گفت‌وگویی با احمد علی حیدری، دبیر علمی جایزه جهانی کتاب سال نکاتی را درباره این رویداد علمی- فرهنگی می‌خوانیم. این پژوهشگر فلسفه، استاد دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران تجربه دبیری پنج دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه کاری خود دارد.

■ **جایزه جهانی کتاب سال به بیست و نهمین دوره برپایی اش رسیده، چه هدفی از برگزاری این رویداد علمی- فرهنگی دنبال می‌شود؟**

همان‌طور که در عنوان جایزه هم قید شده، این جایزه کتاب جمهوری اسلامی ایران است که با نگاهی بین‌المللی برگزار می‌شود. یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری اش کوشش در راستای ارائه چهره‌ای واقعی از کشورمان در سطح جهانی است، البته تنها با اهداف خارجی برگزار نمی‌شود بلکه متولیانش به دنبال این هستند که به علاقه‌مندان داخلی نشان بدهند دیگران چه نگاهی به ما و سرزمین‌مان و به شکل خاص‌تر به ایران اسلامی دارند. توجه‌مان به آثاری بوده که در سال گذشته میلادی منتشر شده باشند، آثاری که حاوی پژوهش‌ها و اطلاعاتی درباره ایران اسلامی مغرضانه باشند.

■ **تلاش برای اطلاع از نگاهی که دیگران به ما دارند برای کسب چه راه‌وردهی؟**

برپایی این جایزه در ایام دهه فجر هدفمند و به نوعی پیام‌آوری این نکته است که انقلاب و فرهنگ ایرانی- اسلامی‌مان خود را به عنوان فرهنگ قابل گفت‌وگو با دیگر فرهنگ‌ها معرفی می‌کند. انقلاب ما افزون بر اهداف و آرمان ملی، رسالتی جهانی را دنبال می‌کند، چراکه فرهنگ‌مان بر جایگاه رفیعی قرار دارد و به همین واسطه هم قادر است که دست به چنین تعاملاتی بزند.

■ **اما گفت‌وید سیاست‌گذاران این جایزه چه هدفی را از اطلاع‌تولیع مذکور دنبال می‌کنند؟**

برای برقراری یک تعامل و گفت‌وگوی مؤثر باید زمینه‌های لازم آن فراهم شود، این اتفاقی است که تحقق آن را بیش از همه باید درباره فرهنگ‌هایی دیرینه و هم‌تراز نظیر خودمان بباییم. در پاسخ به اینکه پرسش‌یید اطلاع از چگونگی بازتاب فرهنگ‌مان را به سمت تصویری واقعی از ایران و ایرانی هدایت



۶



محمدرضا بایرامی، جنگ‌نویس قهار

سال‌هاست جنگ جهانی دوم و البته فجاییعی که نازی‌ها به سرکردگی هیتلر رقم زدند، تمام شده؛ با این حال همچنان منبع الهام فیلمسازان و نویسندگان چه در جایگاه مستندنگاری و چه ادبیات داستانی است. از جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان اما زمان چندانی نمی‌گذرد و در شرایطی که هنوز داغ عزیزانی که جان‌شان را برای دفاع از کشورمان فدا کردند تازه است برخی اصرار دارند که بگویند نوشتن از جنگ کهنه شده و کافی است! محمدرضا بایرامی یکی از جنگ‌نویسانی است که این حرف‌ها را جدی نگرفته و با وجود بعضی بی‌مهری‌ها سال‌هاست درباره این نبرد ۸ساله می‌نویسد. نوشته‌های بایرامی درباره جنگ و تبعات آن تنها به مخاطبان بزرگسال محدود نمی‌شود، و کتاب‌های متعددی هم برای نوجوانان نوشته است. یکی از آثار قابل توجه این نویسنده معاصر که محال است بدون تحقیق قلم به دست بگیرد رمان «لم‌بزرع» است. این رمان در سی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال، موفق به کسب عنوان برگزیده شد. اگر سراغ «لم بزرع» یا اصلاً ادبیات جنگ نرفته‌اید با اطمینان این کتاب را بخوانید؛ داستانی تکان‌دهنده از آن سوی مرزهای ایران، از عراق و دجل و منطفه‌ای که خون شیعیانش به دست رژیم بعث ریخته شد. بایرامی در این رمان به مخاطب ایرانی نشان داده که چطور بخشی از مردم عراق بی‌آنکه بخواهند درگیر نبرد بعثی‌ها علیه کشورمان شدند و چه بلاهایی بر سرشان آوار شد. این کتاب از سوی نشر نیستان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



نادر قدیانی

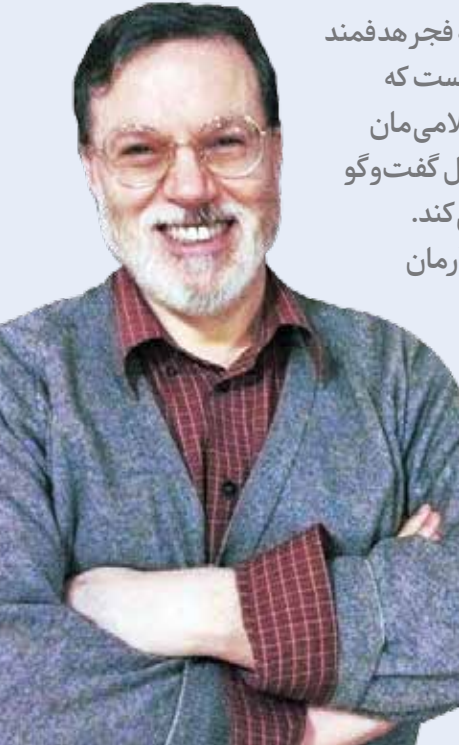
ناشر، کتابفروش و از مدیران سابق اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران

ضرورت برنامه‌ریزی برای اثرگذاری بیشتر

جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایرانی قدیمی‌ترین رویداد رقابتی کشورمان در رابطه با کتاب است، آنچنان که امسال سی و نهمین دوره برپایی اش را شاهد بودیم. من به‌عنوان ناشر در هفت-هشت دوره این جایزه موفق به کسب عنوان برگزیده برای آثاری شده‌ام که با همراهی نویسندگان و مترجمان روانه کتابفروشی‌ها کرده‌ام، از جمله قرآن ترجمه «اسیدعلی موسوی کرمان‌رودی» یا ترجمه «حسن ابراهیمی الوند» از مان‌های سه‌گانه «چرخ گردون» نوشته «جمیل گوین». بواسطه همین تجربه هم معتقد هستم که میزان جایزه‌اعطایی به نفرات برگزیده در دوره‌های ابتدایی برپایی این رویداد حوزه کتاب به مراتب بهتر از سال‌های اخیر بود. در آن سال‌ها تعداد قابل توجهی سکه به همراه لوح افتخار اعطا می‌شد که حمایت خوبی برای نویسندگان و مترجمان به شمار می‌آمد. نکته قابل توجه دیگر اینکه کلیت سیاست‌گذاری برگزارکنندگان جایزه نباید به اعلام اسامی افراد برگزیده و شایسته تقدیر محدود شود. در چنین صورتی برگزاری این رویداد رقابتی نه فقط برای نویسنده یا مترجم کتاب، بلکه حتی برای ناشر و کل بدنه نشرمان هم مؤثر است. در شرایطی که جایزه کتاب سال در چنین وسعت و حیطه موضوعی برگزار می‌شود واقعاً جا دارد که با تلاش در جهت کاهش کاستی‌ها و به کار بستن برخی راهکارها در جهت هر چه بهتر شدن آن کام برداشت. کتاب سال، رویدادی مهم در عرصه نشر است که برای برگزاری سالانه‌اش بودجه قابل توجهی صرف می‌شود، ای کاش برای ارتقا و اثرگذاری هر چه بیشتر آن گام‌هایی جدی برداشته شود. در این رابطه به اقدامات مؤثر و خوبی می‌توان متوسل شد. یکی از اینها می‌تواند اختصاص بخشی از بودجه برگزاری جایزه به بخش برنامه‌های تبلیغی برای کتاب‌های برگزیده باشد. برپایی جلسات نقد و بررسی و بخش آثار از تلویزیون تأثیر عمیقی بر ذهن مردم می‌گذارد. حتی می‌توان از رادیو هم کمک گرفت، هنوز بسیاری از آنهایی که با خودروی شخصی‌شان در سطح شهر و به محل کار خود رفت و آمد دارند ترجیح‌شان گوش برسمردن به رادیو به جای موسیقی‌های تکراری کارت‌های حافظه است. اغلب شنوندگان رادیو به برنامه‌های فرهنگی علاقه‌مند هستند، هم براحتی می‌توان از این فرصت برای تشویق آنان به مطالعه آثار برگزیده استفاده کرد. شما به همین برنامه «کتاب‌بان» که سابقه بخش چند ساله از تلویزیون دارد نگاه کنید، اغلب کتاب‌هایی که از طریق آن معرفی شده‌اند فروش بهتری پیدا کرده‌اند.

اینکه تأکید دارم برگزیدگان را نباید به حال خود رها کرد به این دلیل است، این شکل از حمایت به بودجه چندانی نیاز ندارد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تعامل با مسئولان رسانه ملی براحتی‌قادر به چنین کارهایی هستند. کتابخوانی وقتی همگانی می‌شود که سر از برنامه‌های تلویزیونی دربیارد و تمرکز بیشتری صرف صحبت درباره آن شود. مگر تعداد آثار برگزیده در خلال برگزاری جایزه کتاب سال در هر دوره چند کتاب می‌شود؟ تبلیغ و کمک به جلب توجه مردم به کتاب‌های منتخب برای این تعداد انگشت شمار هزینه‌ای نمی‌شود. اما در عوض طیف گسترده‌تری از مردم متوجه برگزاری این رویداد ادبی می‌شوند و از سویی به اعتبار آن اضافه می‌شود. کارهای بسیاری در این زمینه می‌توان انجام داد، بگذارید نمونه دیگری هم بگویم. وقتی صحبت از کتاب برگزیده ادبیات کودک و نوجوان است، وزارت آموزش و پرورش باید با ابلاغ بخشنامه به مدارس، کاری کند که کتابخانه‌های آنها به آثار برگزیده مجهز شوند. از این طریق هم کودکان و نوجوانان آثار برگزیده را می‌خوانند و هم اینکه از صاحب اثر و ناشر آن حمایت می‌شود. این مسأله در درازمدت حتی دلگرمی اهالی کتاب برای عرضه کتاب‌های خوب را به دنبال دارد. اگر چنین راهکارهایی به کار بسته شود، حتی اعطای تنها یک لوح تقدیر هم تشویق نویسندگان و مترجمان را به دنبال خواهد داشت چراکه اهالی کتاب دلگرم می‌شوند که حمایت‌های دیگری نیز در راه است. بگذارید باز هم مثالی بزنم، مردم سال‌هاست به لوگوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طی سال‌های فعالیت آن حساس شده‌اند.

حتی والدینی که اطلاعات چندانی در این رابطه ندارند هم به محض دیدن اسم یا لوگوی این نهاد به روی یک کتاب، آن را با اطمینان خریداری می‌کنند. چرا؟ این خاطر که قبل‌تر اعتمادسازی و حتی تبلیغ درباره تولیدات کانون و سطح کیفی محصولات فرهنگی- هنری آن انجام شده است. جشنواره رشد آموزش و پرورش هم جایگاه قابل توجهی میان خانواده‌ها یافته، همین که روی یک کتاب عنوان برگزیده جشنواره رشد ثبت شود با اطمینان آن را خریداری می‌کنند. در این بین از نقش رسانه‌ها و همراهی آنها نمی‌توان غفلت کرد. هر چند که در شرایط فعلی بخشی از مسئولیت رسانه‌ها را فضای مجازی و رسانه‌های فعال تحت وب به عهده گرفته، متولیان از برنامه‌ریزی در این فضا هم نباید غفلت کنند. مجموعه‌ای از این راهکارها می‌تواند به ارتقای هرچه بیشتر جایگاه فهرست‌اعلامی جایزه کتاب سال و حتی دیگر رویدادهای حوزه نشر کمک کند. راهکارهایی که به برخی از آنها اشاره شد مواردی است که بداهه به آنها فکر کردم، در صورت صرف زمان و بررسی‌های دقیق‌تر نتایج بهتری هم حاصل خواهد شد.



برپایی این جایزه در ایام دهه فجر هدفمند

و به نوعی پیام‌آور این نکته است که

انقلاب و فرهنگ ایرانی- اسلامی‌مان

خود را به عنوان فرهنگی قابل گفت‌وگو

با دیگر فرهنگ‌ها معرفی می‌کند.

انقلاب ما افزون بر اهداف و آرمان

ملی، رسالتی جهانی را

دنبال می‌کند، چراکه

فرهنگ‌مان بر جایگاه

رفیعی قرار دارد و

به همین واسطه

هم قادر است

که دست

به چنین

تعاملاتی بزند